



شماره ۱۰۰ از مجله مطالعات فرهنگی





تروریسم در ایران

الف- جویا

● تروریسم پدیده‌ای است که از زمان پیدایش حکومت— به اشکال مختلف، ضعیف و خاد— در سراسر جهان وجود داشته و قربانیان بسیاری هم گرفته است. اما این پدیده از قرن ۱۹ و خصوصاً چند دهه اخیر، بیشتر جلب نظر کرده و توجه افکار عمومی را بخود معطوف داشته است. بطوریکه بعضیها، قرن بیستم را، قرن ترور و شیوع تروریسم دانسته اند.

هدف ما در این بحث، تشریح هدفهای تروریسم در جمهوری اسلامی، نتایج حاصله از آن و ویژگیهای برخوردار این پدیده با مردم مسلمان ایران است. اما قبل از اینکه بحث را بشکافیم، لازم است، خود تروریسم را، آنطور که در زبان سیاسی مصطلح است تعریف نمایم.

تعریف تروریسم

ترور به معنی وحشت، ترورست به معنی قاتل و آدم کش و تروریسم به معنی عقیده به لزوم آدم کشی و قتل نفس و تهدید و تخویف و ایجاد وحشت در میان مردم و هر نوع فعالیت طفیانی و شدید برای نیل به هدف سیاسی و یا برانداختن حکومت وقت و در دست گرفتن زمام امور دولت یا تفویض آن بدسته دیگری است که مورد نظر می باشد. این عقیده معمولاً «از منضمات بعضی از مکاتب سیاسی اصلی است از قبیل فاشیسم و ماکیاولیسم و امثال آن.»

همانطور که از تعریف این واژه برمی آید هدف عمده تروریسم، برانداختن حکومت است. بهمین خاطر این روش، علاوه بر اینکه از سوی سازمانهای انقلابی برای برانداختن رژیمهای وابسته مورد استفاده قرار می گیرد، سازمانهای جاسوسی قدرتهای بزرگ استکباری نیز برای نیل به اهداف پلید خود در مقابله با نظامهای مردمی و ضد استکباری به آن متمسک میشوند.

سازمانهای جاسوسی استکباری، خود دارای تیمهای ترور و تخریب می باشند که در مواقع لزوم، وقتی سیاستهای مزورانه آنها کارگر نیفتاد، شخصیتهای مانع کار خود را از سر راه بر میدارند. ترور بسیاری از شخصیتهای ضد استکباری جهان بدست همین سازمانها یا گروهها و احزاب نوکر آنها صورت گرفته است و ما فعلاً نیازی به شمردن اسامی چنین افرادی نمی بینیم. طبیعی است که تروریسم زمانی قدامت می کند که دیگر راههای سیاسی، از جمله ترور شخصیت، مورد آزمایش قرار گرفته و زمینه را آماده نموده و یا مواجه با شکست شده باشند. بعبارت دیگر برای انجام یک ترور آماده کردن مقدمات و مؤخراتی لازم و ضروری است. بطوریکه اولاً توجیه ترور برای افکار عمومی امکان پذیر باشد و هم بهره برداری از آن پس از انجام قتل میسر شود. لذا قبل و بعد از هر تروری یک سری اقدامات سیاسی انجام می گیرد که از بررسی و تجزیه و تحلیل این اقدامات میتوان ماهیت تروریستها را مورد ارزیابی دقیق قرارداد.

امروز به سبب پیچیدگی معادلات سیاسی و همچنین بدلیل مداخلات گسترده قدرتهای استکباری در سرنوشت ملت‌های مستضعف، هر صدائی در جهان، اعم از حق یا باطل، انعکاسهای سریع و متفاوتی در دنیا دارد. بطوریکه بلافاصله پس از هر تروری دولتها مجبورند که موضع بگیرند و همین موضعگیری ماهیت آنها را افشاء می کند. مثلاً وقتی فاجعه هفتم تیر اتفاق افتاد، بلافاصله دشمنان انقلاب اسلامی در سطح جهانی خشنودی خود را با اعلامیه های

رسمی و یا گفتارهای غیررسمی ابراز داشتند و عده‌ای نیز با تردید به آینده نظام جمهوری اسلامی سکوت اختیار کردند و این نشان میداد که عمل تروریستها حداقل، اگر نگوئیم با توافق صدرصد ابرقدرتها بوده، مورد رضایت و خشنودی دشمنان جهانی انقلاب اسلامی صورت گرفته است. خلاصه آنکه: به پدیده ترور نمیتوان بعنوان یک پدیده مجرد و جدا از سایر حرکتها نظر کرد و آنرا مورد تجزیه و تحلیل قرار داد، بلکه حرکتهای سیاسی مقدم و مؤخر آنرا چه در سطح داخل و چه در سطح جهانی باید بدقت ارزیابی کرد تا نتیجه مطلوب حاصل گردد.

انگیزه‌های ترور

گفتیم که ترور تیغ دولتی است که هم از سوی نیروهای مردمی درمقابله با رژیمهای استبدادی و وابسته میتواند مورد استفاده قرار گیرد و هم از سوی سازمانهای جاسوسی و نوکران آن برای سرنگونی رژیمهای انقلابی بکار گرفته می‌شود. اگرچه یک سری قواعد کلی بر روح حرکت تروریستی حاکم است، اما انگیزه‌های پیوستن افراد به گروههای تروریستی در کشورهای مختلف، متفاوت است و برحسب ویژگیهای فرهنگی - اجتماعی و سیاسی هر جامعه انگیزه‌های متفاوتی برای افراد بوجود می‌آید. مسلماً انگیزه کسی که یک مستشار آمریکائی، یا یک مهره ساواکی را ترور می‌کند با انگیزه شخصی که یک کارگر حزب اللهی را در سفره افطار و در مقابل چشمان همسر و فرزندان خردسالش ترور می‌نماید، از زمین تا آسمان فرق می‌کند.

در کشور ما، ماجراجویان، فریب‌خوردگان، مزدوران مستقیم و سرخوردگان اجتماعی و سیاسی در طیف هواداران تروریسم جای گرفته‌اند، بطوریکه در میان دستگیرشدگان این گروهکها، فرزندان ساواکی‌ها و اعدام‌شدگان، ناآگاهان فریب‌خورده، پاکسازی‌شده‌ها، گردن کلفت‌های سابق، روشنفکران و اخورده و به بازی نگرفته شده را میتوان دید.

ناگفته پیداست که در وهله اول همه این افراد برای حرکت خود، توجیه و دلیل واحدی را ارائه میدهند اما بعد از کنکاش و روانشناسی دقیق پرده‌ها کنار میرود و حقایق جلوه‌گر میشوند و توبه و اظهارندامت بسیاری از هواداران این گروهها پس از دستگیری، ادعای فوق را اثبات می‌کند.

اهداف تروریسم در ایران

مهمترین ویژگی انقلاب اسلامی، حضور آگاهانه و دائمی توده‌های میلیونی مردم مسلمان ایران در صحنه است، بطوریکه میل خروشان مردم هر مانعی را و هر سدی را تاکنون شکسته و از این پس نیز با تأییدات خداوند تبارک و تعالی خواهد شکست. از این رو استکبار جهانی و خصوصاً آمریکای جنایتکار حيله‌ها و شیطنتهای بسیاری برای پراکندن مردم از حول امام و متفرق کردن توده‌ها و به خانه کشاندن آنها بکار بسته است.

یکی از این حيله‌ها دخالت مستقيم و غيرمستقيم در ترورها و جنايات متعددی بوده که در مملکت مابوقوع پیوسته است. لازم است برای تشریح موضوع شیوه‌های مستقيم و غيرمستقيم را بیشتر توضیح دهیم.

الف- روشهای مستقيم: در اینگونه ترورها، سازمانها و گروههای وابسته به ابرقدرتها و یا عوامل مستقيم سازمانهای جاسوسی این دولتها مستقیماً وارد عمل شده و شخصیت‌های موردنظر را ترور می‌کنند. از این نمونه، گروههای فرقان، سلطنت طلبان (پارس)، و... را میتوان نام برد. در بررسی اسناد لانه جاسوسی آمریکا که توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام منتشر شد نحوه تماس و حمایت مستقيم آمریکای جنایتکار از ترور شخصیت‌های بزرگ مذهبی سیاسی نظیر آیت الله مطهری و آیت الله مفتاح و تیمسار قره‌نی به تفصیل بیان شده است. همچنین اعضای گروههای سلطنت طلب و غیرو و حتی قطب زاده و شریعتمداری هم به تماسهای خارجی خود اعتراف کرده و گفته‌اند چگونه رابطه‌ای «سیا» با آنها تماس گرفته و مقدمات ترورها را فراهم میکرده‌اند

ب- روشهای غیرمستقيم: در بعضی مواقع، برای پنهان داشتن روابط ظاهری و یا آماده کردن یک گروه برای سقوط کامل در دام ابرقدرتها، استکبار جهانی از روشهای مستقيم استفاده نمی‌نمایند و به کمک وسایل خبری و موضعگیریهای سیاسی حمایت‌های خود از ترور گروهها اعلام نموده و کم کم آنها را در دام خود می‌کشند.

اصولاً، وقتی یک گروه دست به یک ترور اعم از قتل یک شخصیت بزرگ و یا انفجار و تخریب یک محل، می‌زند می‌خواهد بدینوسیله اعلام موجودیت نماید و بهره‌برداری سیاسی تبلیغی نماید. و از آنجا که بینش حاکم بر گروهکهای تروریستی ایران، یک بینش وابستگی است و برای آنها زندگی بدون اتکاء به یک قدرت خارجی محال است، این گروهکها روی پشتیبانی و حمایت دولتهای جهانی بسیار حساب می‌کنند و به همین خاطر گاهی فقط برای کسب این حمایتها ممکن است اقدام به ترور نمایند.

حمایت غیرمستقيم ابرقدرتها، ممکن است علاوه بر پشتیبانی تبلیغاتی، بصورت کمکهای نظامی - اقتصادی دولتهای مرتجع و وابسته به گروهکها باشد. مثلاً بجای اینکه آمریکای جنایتکار خود مستقیماً به یک گروهک کمک نماید، دولتهای اردن، مصر، عراق، عربستان، کویت و... را وادار می‌نماید تا حمایت سیاسی - اقتصادی و نظامی از تروریستها را بعهده بگیرند، برای مثال از کمکهای بیدریغ صدام حسین به احزاب دمکرات، کومله، رزگاری و منافقین میتوان یاد کرد و ملاقاتهای مکرر رجوی با صدام دیدار و اقامت سرکردگان احزاب با اصطلاح چپ با مسئولان شوروی و احزاب کمونیستی، دعوت شاهزادگان سعودی از شریعتمداری برای اقامت در آن کشور و اقامت فرح و رضا پهلوی در مصر نیز از جمله همین حمایت‌های غیرمستقيم است. ناگفته نماند روشهای غیرمستقيم بقدری

گسترده است که برشردن تک تک آنها از حوصله این مقاله خارج است و نیاز به وقت بسیار دارد. بنابراین از پرداختن به آنها صرف نظر می کنیم و به اهداف تروریسم در ایران می پردازیم. گفتیم که مهمترین ویژگی انقلاب اسلامی مردمی بودن آن است. بدین معنی که مردم اعتماد فوق العاده ای به رهبران مذهبی دارند و متقابلاً رهبران نیز خود را از مردم دانسته و در همه اجتماعات در پیشاپیش آنها حرکت می نمایند. این خصوصیت، توده ها را همیشه و بطور فعال در صحنه نگه میدارد و چون مردم و رهبران جامعه دوشادوش هم حرکت می کنند و خطرات را مشترکاً بجان میخرند، شهادت آنها توأمأ صورت می گیرد و این شهادتها هم به تعمیق انقلاب و ریشه دار شدن هر چه بیشتر آن می افزاید. با این حساب استکبار جهانی میکوشد این پیوند عاطفی، مذهبی، سیاسی میان مردم و رهبران مذهبی را بگسلد. استکبار جهانی از هر ترور یک سری اهداف کوتاه مدت و یک سری اهداف بلندمدت را دنبال می کند که عبارتند از:

الف- از بین بردن پایه ها و استوانه های انقلاب اسلامی - دشمن بخوبی میداند که اگر عناصر اصلی حفظ خط اصیل انقلاب اسلامی را از میان بردارد و توده ها را از رهبری ولایت فقیه محروم نماید، آنوقت به کمک مهره های از پیش ساخته میتواند انقلاب را منحرف نموده و به وابستگی بکشاند. استکبار جهانی، امامت امام خمینی را که از طریق یاران واقعی او صورت می گیرد را بزرگترین سد راه نفوذ خود در جمهوری اسلامی میداند، لذا از طریق ترورها میکوشد این سد را بشکند. برای اینکار هم قصد جان امام خمینی را دارد (کودتای نوژه که قرار بود بیت امام بمباران شود و ماجرای قطب زاده که قرار بود منزل امام با مواد منفجره تخریب و گلوله باران شود) و هم یاران واقعی او را از بین می برد (ترور آیت الله مطهری، مفتاح، قاضی طباطبائی، رفسنجانی، خامنه ای، مدنی، دستغیب، بهشتی و ۷۲ تن دیگر، صدوقی و...)

ب- منصرف کردن روحانیون از ادامه راه - دشمن با انجام اینگونه ترورها، علاوه بر اینکه استوانه های انقلاب را از سر راه برمیدارد، روحانیون و طلاب جوان را هم میخواهد از ادامه راه بازدارد و با ایجاد رعب و وحشت آنها را به درون حجره و عدم دخالت در امور سیاسی سوق دهد. مطرح کردن اینکه روحانیون بهتر است بر کارها نظارت نمایند تا دخالت مستقیم که بارها عنوان شده و توسط امام خمینی بشدت محکوم گشته است از جمله اقدامات سیاسی تبلیغی است که دشمن در کنار ترورها از آن سوءاستفاده می کند.

ج- جدا کردن روحانیون و مسئولان از مردم - مسلماً پس از هر ترور اقدامات امنیتی برای حفظ جان مقامات مسئول و روحانیون متعهد بیشتر میشود و این سبب میشود تا فاصله ای میان مردم و مسئولان بوجود آید. مثلاً در زمانی که بنی صدر جنایتکار در ایران عنوان ریاست جمهوری داشت و گروهکها امید فراوانی به او بسته و هنوز با اصطلاح مبارزه مسلحانه خود را آغاز نکرده بودند، تمام مسئولان و روحانیون بدون محافظ رفت و آمد میکردند و حتی برای خرید،

شخصاً خودشان اقدام می نمودند. طبیعی است در چنین حالتی اعتماد و علاقه مردم به رهبران جامعه فوق العاده خواهد بود چرا که با چشمان خود می بینند که رهبران جامعه هم مثل آنها زندگی عادی و ساده ای دارند و تماس با آنها هم خیلی آسان است. چه بسا در دکان نانوائی میتوان مثلاً وزیر آموزش و پرورش را دید و با او درد دل کرد و این حالت با زمانی که یک وزیر یا یک مسئول در یک اتومبیل با اسکورت رفت و آمد نماید تفاوت بسیار می کند.

د- با ایجاد و گسترش پست های بازرسی و کنترل در مقابل هر اداره و وزارتخانه و اماکن عمومی دیگر، مردم را خسته و نسبت به برقراری امنیت در جامعه مأیوس نمایند.

ه- رژیم را به اعمال متقابل خشونت آموختند. بطوریکه این موج خشونت دامن افراد بیگناه اجتماع را هم بگیرد (مثلاً در جریان دستگیری اعضای یک خانه تیمی به یک عابر پیاده هم آسیبی وارد آید و یا یک فرد بیگناه در ارتباط با گروهکها دستگیر و زندانی شود تا از این طریق خوراک تبلیغاتی برایشان فراهم شود. اعمال خشونت آموختن است در تمام زمینه ها اعمال شود و بعنوان تأمین امنیت اجتماعی، تمام آزادیهای فردی و اجتماعی منع گردد و زمینه را برای بهره برداری از نیروهای روشنفکر جامعه از طرف گروهکها در آیند فراهم آورد.

و- هواداران گروهکها و مخالفین رژیم را فعال و امیدوار نگه دارند. با هر عمل تروریستی، گروهکها در اذهان مخالفین رژیم چنین وانمود می کنند که بعنوان وزنه و نیروی مطرح هستند و از این رو فعالیت هواداران و مخالفین را در ادامه مبارزه بیشتر می سازند.

ز- رژیم را به وحشت انداخته و آنرا از تصمیم گیری در مورد مسائل عمده جامعه، نظیر جنگ تحمیلی و غیره بازدارند تا تبلیغات آنها در مورد عدم توانائی جمهوری اسلامی به حل مشکلات موثر واقع گردد.

ک- با انجام ترورها حمایت های جهانی را کسب نمایند و از طریق سازمانهای بین المللی ساخته ابرقدرتها بر رژیم فشار آورند. برای گروههائی که به قدرتهای جهانی وابسته هستند، حرکت های سیاسی سازمانهای بین المللی نظیر عفو بین المللی، حقوق بشر آمریکائی، احزاب و سازمانهای با اصطلاح مترقی، سازمان ملل و از این قبیل بسیار مهم جلوه می کند. مثلاً در زمان دولت موقت چون اعدام سرسپردگان رژیم منفور پهلوی مورد اعتراض همین سازمانها قرار گرفته بود، مسئولین دولت موقت تلاش میکردند از ادامه قهر انقلابی ملت مسلمان ایران ممانعت بعمل آورند. امروز هم گروهکهای تروریست می کوشند تا حمایت سازمانهای بین المللی را جلب کرده و در میان دوستان برای خود جانی باز کنند.

ل- با ضربه زدن به رژیم، جمهوری اسلامی ایران را در سطح جهانی بی ثبات نشان داده و از این طریق به روابط سیاسی - اقتصادی آن با دولتهای جهان خدشه وارد نمایند تا انقلاب از حرکت باز ایستد یا حرکت آن کند شود.

ویژگیهای تروریسم در ایران

در هر انقلابی و از زمانی که حکومت بوجود آمده است ترور بوده و خواهد بود. علی (ع) قربانی تروں خوارج شد. در انقلابات کبیرفرانسه و اکتبر روسیه هم موج تروریسم برای مدتی جامعه را آزار داد. انقلاب چین هم مصون از بیماری تروریسم نبوده بطوریکه بعضی از سران حزب کمونیست به بهانه های مختلف از سر راه برداشته شدند، کوبا و شیلی نیز با یک موج وسیع تروریسم مواجه بوده اند. هم اکنون نیز گروههایی در اروپا، آسیا، و آفریقا و آمریکای لاتین به این کار دست میزنند.

در تمام ترورهائی که تاکنون صورت گرفته هدف اصلی رهبران جامعه بوده و بس و با حذف آنها موج تروریسم هم فروکش نموده است. اما از خصوصیات بارز تروریسم در انقلاب اسلامی، همه گیر بودن آنست. بطوریکه علاوه بر سران و رهبران جامعه و انقلاب اسلامی، توده های مردم نیز مودت تهاجم تروریستها واقع میشوند. نگاهی به شهدای ترورهای منافقین و دیگر گروهکهای وابسته طی سه سال بعد از انقلاب و خصوصاً بعد از عزل بنی صدر خائن، نشان میدهد که همپراز رهبران جامعه، توده های مردم، از تمام اقشار و خصوصاً مستضعف آن، مورد تهاجم تروریستی واقع شده اند. در میان شهداء، رئیس جمهور، نخست وزیر، رئیس دیوانعالی کشور، نماینده مجلس شورای اسلامی، قاضی شرع، امام جمعه، کارگر، بسیجی، مغازه دار و کاسب، زن، مرد، کودک، پیر، جوان، پاسدار ارتشی، مأمور شهربانی، عضو جهاد سازندگی، پزشک و... دیده میشود. و این خاصیت در هیچ انقلابی وجود ندارد. چرا که هیچ انقلابی، چون انقلاب اسلامی ما پشتوانه عظیم توده ای نداشته و مابین رهبران و مردم در هیچ انقلابی اینگونه صمیمیت و نزدیکی و یکرنگی وجود نداشته است و همین پیوند و یگانگی است که انقلاب را از گردابهای هولناکی چون فاجعه ۷ تیر، انفجار دفتر نخست وزیری، جنگ تحمیلی و... سالم و پیروز بیرون آورده است. و همین حضور فعال و یکپارچه مردم در صحنه بوده است که روز بروز تروریستها را منزوی تر کرده و کینه آنها را نسبت به انقلاب بیشتر می نماید. بطوریکه بسیاری از آنها صرفاً برای انتقام گیری و فرونشاندن عطش انتقام خود دست به اعمال جنون آمیز می زنند. اعمالی نظیر بمب گذاری در اماکن عمومی نظیر نماز جمعه، دعای کمیل، میادین، اتوبیل افراد در کنار خیابانها، چه چیزی جز نفرت و کینه اینگونه افراد نسبت به مردم را نشان میدهد. آیا انسان سالم و عاقلی حاضر میشود صرفاً برای اینک خودی نشان داده باشد در محوط نماز جمعه بمب بگذارد؟ در زمان رژیم گذشته انقلابیون مسلمان برای اینکه مهره کثیفی را از سر راه بردارند آنقدر مطالعه و بررسی میکرد که مبادا عنصر بیگناهی کشته شود و اگر منظور فرضاً یک مستشار آمریکائی بود، راننده وی را که ظاهراً بیگناه بنظر میرسید، نمی کشتند. اما منافقین امروز اتوبیل حامل تی ان تی را کنار محل برگزاری دعای کمیل میگذارند!!

این بحث در شماره های بعدی نیز ادامه خواهد داشت